

پول دوستی عامل طغیان و هلاکت



محمد تقی صرفی پور



پول پرستی عامل طغیان!

1- كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيِّطٍ ﴿٦﴾

حقا که انسان سرکشی می کند (٦)

أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْنَى ﴿٧﴾

همین که خود را بی نیاز پندارد (سوره علق ایه 7)

خداوند حکیم در آیات مذکور خطر ثروت اندوزی را
،طغیان بیان کرده است.

انسان وقتی بی نیاز میشود سر به طغیان در برابر خدایی
که او ثروت را به بنده اش داده، می نهد! لذا اسلام با

ثروت مخالف نیست ولی با ثروت اندوزی و عمر خود
را صرف چیزی که فانی است و به داد انسان می رسد و
انسان را به معصیت و خالف با خالق بی همتا و می
دارد، مخالف است.

2-شمر: گویند وقتی شمر لعین روی سینه امام حسین
نشست تا امام را شهید کند امام پرسید تو که من را می
شناسی که فرزند زهرای مرضیه و علی مرتضی هستم
چرا مرا می کشی؟ شمر جواب داد: برای پول جایزه!¹

3-خداوند داستان قارون را ذکر کرده که پول پرستی
عامل طغیانش شد شاید اگر وی پولدار نبود مومن باقی
می ماند.

¹ <http://www.qudsonline.ir/news/317858>

«قارون بن یصهر بن قاهت» از افراد ثروتمند بنی اسرائیل بود. قرآن او را در بدکاری در ردیف فرعون و هامان شمرده است. وی ابتدا از مخالفان اصلی حضرت موسی بود، اما در نهایت به او ایمان آورد و به همراه بنی اسرائیل مصر را ترک کرد. با گذشت زمان، قارون شروع به نافرمانی کرد و همین امر موجب عذاب الهی و مرگ او شد. در تورات، داستان قارون و جدالش با حضرت موسی (ع) آمده است.

او از جمله افرادی ظالم در قوم بنی اسرائیل بود که رفتارهای بسیار بدی در قبال پیامبر زمانه خویش پیشه می کرد و به نوعی همدست فرعون و هامان شناخته می شد و به تعبیر قرآن موسای نبی را ساحر کذاب می دانست.

خداوند در سه سوره قرآن به جریان او اشاره کرده است؛ آیات 76 تا 83 سوره قصص، آیات 23 تا 25

غافر و 39 و 40 غافر از جمله این آیات است که در هر بار به هر کدام به صورت مجزا می‌پردازیم.

خداوند درباره بخشی از ماجراهای مربوط به قارون در سوره قصص می‌فرماید: «**إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ**؛ همانا قارون از قوم موسی بود که بر آنان تعدی و تجاوز کرد و از گنجینه‌های مال و ثروت آن اندازه به او دادیم که حمل کلیدهایش بر گروهی نیرومند گران و دشوار می‌آمد. [یاد کن] هنگامی که قومش به او گفتند: [متکبرانه و مغرورانه] شادی مکن، قطعاً خدا این عده را دوست ندارد» (76 قصص)

بر اساس این آیه، قارون از قوم موسی (ع) بود و ظاهراً این ماجرا پس از جدایی‌اش از فرعون بود؛ هرچند بر

اساس نقل‌هایی به ظلم خود بازگشت همچنان که در آیه اشاره دارد (فَبَعَثْنَا عَلَيْهِمْ) بر آنان تعدی و ظلم کرد.

1- خداوند از باب سنت خویش، زمینه‌هایی برای برخورداری از مال و ثروت برای او فراهم آورد تا از این باب ایمان قوم موسای نبی را مورد محک قرار دهد. مانند آنچه اکنون خداوند برای برخی ظالمان و متکبران مسیر ثروت را باز می‌کند تا ایمان مردم محک بخورد؛ همچنان که گفته می‌شود این فرد که ظالم است چرا خدا او را صاحب ثروت کرده است؟ حداقل می‌توان گفت یکی از حکمت‌های این امر در این نوع آزمون‌ها نهفته است که اتفاقاً در ادامه این آیات به این فتنه اشاره می‌شود به گونه‌ای که بزرگان قوم لغزش کردند.

2- برخی از قوم، او را در ابتدا از غرورهای مستانه‌اش بیم و هشدار دادند اما نپذیرفت. به او گفتند: «وَ اَبْنَعِ

فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ ۖ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ
مِنَ الدُّنْيَا ۖ وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ
وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْمُفْسِدِينَ؛ در آنچه خدا به تو عطا کرده است سرای
آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و
نیکی کن همان گونه که خدا به تو نیکی کرده است و
در زمین خواهان فساد مباش، بی تردید خدا مفسدان را
دوست ندارد.

3- او در پاسخ به صورت متکبرانه گفت: «جز این نیست
که این [ثروت و مال انبوه] را بر پایه دانشی که نزد من
است به من داده‌اند. آیا نمی‌دانست که خدا پیش از او
اقوامی را هلاک کرده است که از او نیرومندتر و ثروت
اندوزتر بودند؟ و مجرمان [که جرمشان معلوم و مشهود
است] از گناهانشان بازپرسی نمی‌شود؛ قَالَ إِنَّمَا
أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أُولَٰئِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ

**أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً
وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ»**

اما پس از مدتی که از زندگی مستانه قارون گذشت، برخی از افرادی که وی را نصیحت می کردند، به مرور زمان شک و شبهه بر قلبشان سایه افکند و سرّ و علن می گفتند ای کاش ما هم مانند او ثروتمند بودیم. به تعبیر قرآن اینها دنیا دوست بودند که ظاهراً تعداد بالایی را به خود اختصاص داده بودند. این فتنه زمانی آغاز شد که روزی قارون با جاه و ثروت خود بیرون آمد. خداوند در این باره می گوید «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» [؛ قارون] در میان آرایش و زینت خود بر قومش درآمد؛ آنانکه خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش مانند آنچه به قارون داده اند برای ما هم بود، واقعاً او دارای بهره بزرگی است.»

صاحبان علم الهی که ظاهراً اوصیای موسای نبی (ع) بودند، این دنیاطلبان را نصیحت کردند و آنها را نسبت به آخرت، ایمان و عمل صالح توجه دادند و گفتند «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ؛ و کسانی که معرفت و دانش به آنان عطا شده بود، گفتند: وای بر شما پاداش خدا برای کسانی که ایمان آورده و کار شایسته انجام داده اند بهتر است. و [این حقیقت الهیه را] جز شکیبایان در نمی یابند.»

اما در نهایت خداوند او را عذاب کرده و مایه عبرت قارون صفتان عالم قرار داد؛ یعنی آنها که به جای ایمان به خدا و رسولش، در مقابلش تکبر به خرج می دهند و اندوخته های زندگی شان را حاصل دسترنج خود می دانند نه لطف الهی و این اندوخته ها را در مسیری غیر از مسیر خداوند هزینه می کنند و نیز بابت این امر به دیگران فخر می فروشند و با تبختر و خودشیفتگی در

میان مردم حرکت می‌کنند. بنابراین منشأ این سقوط شخصیتی از همان کج رفتاری نسبت به ارزش‌های الهی و آموزه‌های دین شکل گرفت و به اینجا ختم شد که خداوند فرمود: «فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ؛ پس او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم و هیچ گروهی غیر از خدا برای او نبود که وی را [برای رهایی از عذاب] یاری دهد، و خود نیز نتوانست از خود دفاع کند.»

گزارش خداوند از واکنش آن دست از افرادی که آرزو داشتند در جایگاه قارون باشند پس از عذاب قارون در خورد توجه است. خداوند می‌فرماید «و بامدادان، آنانکه دیروز مقام و جایگاه او را آرزو داشتند [چنان حالی شدند که] می‌گفتند: وه! گویی خدا رزق را برای هر کس از بندگانش بخواهد وسعت می‌دهد، و [برای هر که بخواهد] تنگ می‌گیرد، اگر خدا بر ما

منت نگذاشته بود، ما را نیز در زمین فرو برده بود. گویی
کافران رستگار نمی شوند؛ وَ أَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ
بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَانَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ
عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ مَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَانَهُ لَا
يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ.»

4- خداوند در سوره توبه ایه 75 به مرتد بودن فردی
اشاره می کند که پول باعث نفاق و ارتدادش شد شاید
اگر وی پولدار نبود مومن باقی می ماند.

داستان ثعلبه!

ثعلبه که مردی فقیر بود و از ثروت بهره ای نداشت
:روزی به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشت
ای رسول خدا! برایم دعا کن، خداوند به من ثروتی
عنایت کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای ثعلبه!

مقدار مالی که در اختیار توست، اگر به ادای شکرش
برخیزی؛ برای تو بهتر است از ثروتی که نتوانی
مسئولیت آن را تحمل کنی. آیا دوست نداری از
زندگی پیامبرت درس بگیری؟

ای ثعلبه! به خدا اگر اراده کنم کوه ها برایم طلا و نقره
می شود؛ اما بهترین زندگی آن است که در آن عفاف و
کفاف باشد و بهترین مال آن است که انسان
بتواند شکرش را به جای آورد

ثعلبه به بیان رسول خدا صلی الله علیه و آله قانع نشد و با
اصرار از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای دعا کرد و
به حضرت عرضه داشت: به آن خدایی که تو را مبعوث
به رسالت کرده است، اگر ثروتی به من عطا شود، به هر
کس در ثروت من حق دارد حَقِّش را ادا خواهم کرد.
رسول خدا صلی الله علیه و آله، به دنبال اصرار ثعلبه دعا
کرد. پس از دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله

زندگی مادی ثعلبه دگرگون و روز به روز ثروتش
زیادتر شد. اوّل چند گوسفند تهیه کرد و مشغول
دامداری شد. به مرور زمان دامنه اموالش چنان وسعت
گرفت که به تدریج شهر مدینه از پاسخ گفتن به نیاز او
عاجز شد. به همین علت از شهر به بیابان رفت و در آنجا
به کار دامداری مشغول شد و چنان سرگرم اداره کار
خود شد که بر اثر کثرت کار از جمعه و جماعت و
زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله محروم ماند. پس از
نزول حکم زکات، به دستور رسول خدا صلی الله علیه و
آله، مأموران جمع آوری زکات به سراغ ثعلبه رفتند و
برابر حکم خدا و رسول، از او طلب زکات کردند؛ اما
او از دادن زکات بخل ورزید و در جواب گفت: زکات
در ردیف جزیه ای است که از اقلیت های مذهبی می
گیرند و این برنامه، زوری است که بر ما ثروتمندان
تحمیل می شود و من از دادن این گونه مالیات ها خود
!را معذور می بینم

چون خبر بخل ورزی او به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید دو بار فرمودند: وای بر ثعلبه، وای بر ثعلبه او هم چنان به جمع ثروت و اضافه کردن آن مشغول بود، تا تمام ثروت از کفش رفت و هم چنان که قرآن فرموده به سوء عاقبت دچار شد!^۲

5- وقتی علی بن ابراهیم مهزیار اهوازی به ملاقات امام زمان مشرف شد...

ما شب و روز انتظار تو را داشتیم، چرا دیر کردی؟

علی بن مهزیار گفت: چون به خدمت حضرت قائم (ع) رسیدم، حضرت به من فرمود: ما شب و روز انتظار تو را داشتیم، چرا دیر کردی؟

² تفسیر القرطبی: 8 / 209.

عرض کردم: کسی نبود که مرا به سوی شما راهنمایی کند.

پس حضرت با انگشت به زمین زد و فرمود: اینچنین نیست، ولی شما به گردآوری اموال پرداختید و بر ضعفای مؤمنین تجبر به خرج دادید و قطع صلہ رحم کردید، پس اکنون چه عذری برای شما وجود دارد؟
گفتم: التوبه، التوبه.

پس فرمود: ای پسر مهزیار، اگر نبود استغفار بعضی از ما برای بعضی، هر آینه هر کس بر روی زمین بود هلاک می شد بجز خواص شیعه، آنان که اقوالشان با افعالشان شبیه است

6- درمان پول پرستی

درمان این بیماری خطرناک آنست که انسان متوجه شود اموالی که دارد در نزد او امانت هستند که بعد از مردنش

نمی تواند از ان استفاده کند و به وارثین او می رسد. پس
چه بهتر که تا زنده است از این اموال برای اخرت خود
استفاده نماید. و انها را در کارهای خیر و باقیات
صالحات خرج کند.

7- پول پرستی در کشورمان زیاد شده همه از پول
میگند! همانطور که در کشورهای غربی هست که
ملاک ارزشها فقط پول هست و علم و دانش و هنر و
تقوا و ایمان ارزشی ندارند.

بعضی می گویند فقط پول کار انسان را راه می اندازد! و
پول حلال مشکلات است! ولی **این شرک** است. و فقط
خداوند حلال مشکلات است.

چه بسیار آدمهای ثروتمندی که پول زیادی دارند ولی
خوشبخت نیستند یا بخاطر بیماری صعب العلاج یا

فرزندان خیلی بد یا مشکلات روحی و غیره احساس
خوشبختی نمی کنند.

8- اسلام میگوید ادم زرننگ کسبه که اگر ثروت داره
مقداری برای زندگی خودش خرج می کند و بقیه رو در
راه خدا خرج می کند.

اما کسانی که پول دوستند هرگز سکه ای در راه خدا
خرج نمی کنند. اینها افرادی هستند گاه برای بدست
آوردن پول ادم می کشند حتی رفیق خود را!

رفیق پول پرست دوستش را کشت تا 100

میلیون به جیب بزند ///

قتل پسر دایی به خاطر پول نهار! - عصرایران
قتل مادر 30 ساله به خاطر یک مشت پول +عکس

قتل دوست به خاطر پول!

قتل خاله به خاطر سرقت پول و طلا!

مرد جوانی که به خاطر هزینه درمان پای یک سگ
زن جوانی را به قتل رسانده بود به اتهام خود اعتراف
کرد.

قتل؛ تنها به خاطر یک میلیون پول! - افکار نیوز

قتل پدر ثروتمند برای پول - ایران آنلاین
قتل فجیع پدر 62 ساله توسط پسر 44 ساله به خاطر
پول - نوداد

قتل فجیع پدر 62 ساله توسط پسر 44 ساله به خاطر
پول - نوداد

مرد 46 ساله همسرش را بخاطر پول خفه کرد...

وهزاران مورد قتل و جنایت و دعوا و اختلاف همه

سرپول!

اولین سکه ای که در کره زمین ضرب شد ابلیس ان را
گرفت و روی قلبش گذاشت و گفت با وجود محبت
بتو دیگه کسی رستگار نمیشود!

نباید همه چی ادم پول باشد! پول را در خدمت خانواده و
فامیل و دوستان و نیازمندان قرار دهیم

9- اولیاء خدا و پول

پول در نزد اولیاء خدا از سایه هم بی ارزش تر است! لذا
همه عمر در حال انفاق بودند. اینکه پیامبر خدا در حالی
از دنیا رفت که پولی برجا نگذاشت. همچنین امامان
معصوم ما این چنین بودند. گویند امام حسن مجتبی علیه
السلام دوبار هر چه داشت بخشید. یا امام رضا علیه السلام
در روز عرفه همه اموال خود را بخشید و...

ایه الله العظمی عبدالکریم حائری وقتی از دنیا رفت شب خانواده اش شام نداشتند حضرت امام برایشان شام تهیه کردند.

آیه الله بروجردی که در سال 1340 از دنیا رفت ششصد هزار تومان بدهکار بود. (بدهکاری برای حوزه علمیه نه بدهکاری شخصی)

تعجب ملائکه

ملائکه از اینکه مردم آخرت را فراموش کرده و به جمع اوری مال مشغولند تعجب می کنند! زیرا باید همه را بگذارند و با یک کفن به عالم آخرت وارد شوند. در عالم آخرت هم پول و ثروت بی ارزش است

10- هیچوقت بخاطر پول با فامیل بخصوص پدر و مادر و برادر و خواهر و فرزندان و همسر، قطع رابطه نکنیم. هیچوقت بخاطر پول با کسی دعوا نکنیم. هیچوقت

بخاطر پول آبروی افراد را نبریم. حتی اگر می خواهیم به شخصی کمک کنیم با نهایت احترام کمک کنیم که تحقیر و شرمنده نشود. در کمک به نیازمندان کمیت مهم نیست بلکه کیفیت مهم است. که در نزد خداوند نیت شخص کمک کننده مهم است نه مقدار پولی که کمک کرده است. مواظب باشیم که از ابتدای سالی که درآمد پیدا می کنیم برای خود سال خمسی قرار دهیم و هر سال خمس خود را بپردازیم تا سهم امام زمان علیه السلام و سهم سادات فقیر را بپردازیم و همیشه لقمه حلال استفاده کنیم.

11- پول پرستی عامل خیانت میشود:

از جمله خیانت ها، خیانت در اموال بیت المال است که اخیرا فراوان دیده شده مخصوصا خیانت های چند هزار میلیاردی افراد به اموال این ملت مظلوم.

اختلاس میلیاردی یک کارمند زن در شیراز - آفتاب

نیوز

اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی - ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ

آزاد

کشف اختلاس 6 میلیاردی و دستگیری 3 متهم در

هرمزگان - ایسنا

اختلاس ۱۴ میلیاردی از بانکی در استان البرز

متهم اختلاس ۱۰۰ میلیاردی 'سه ساعت بعد احضار از

ایران فرار

اختلاس میلیاردی در خوزستان این بار بانک

تجارت دادستان عمومی و انقلاب ماهشهر از وقوع یک

میلیارد ریالی در یکی از شعب 13 فقره اختلاس

... بانک تجارت در این شهرستان

اختلاس میلیاردری مدیرعامل و معاون یک شرکت
... خدمات رسان در

اجتماعی < حوادث و > <https://www.yjc.ir>
انتظامی

12- کلید همه گنجهای زمین را محضر رسول خدا
اوردند ولی حضرت نپذیرفت و فرمود می خواهم یک
روز گرسنه باشم و از خدا درخواست کنم و یک روز
سیر باشم و شکر خدا کنم

13- به ما توصیه کردند باندازه کفاف از دنیا استفاده
کنید و دنیا طلب و پول پرست نباشید.

14- به ما توصیه کردن با مال و جانمان در راه خدا
جهاد نماییم.

افراد زیادی هستند که مال و ثروت خود را صرف دین و کارهای خیر می کنند اینها عاقل هستند.

15- چقدر این افراد پست بودند!.....

عبداللہ بن عباس، فرمانده سپاہ امام حسن مجتبی، یک میلیون درهم از معاویہ گرفت و سپاہ امام برحق، امام حسن مجتبی مظلوم را رها کرد و با هشت ہزار سرباز بہ معاویہ پیوست! چقدر این آدم پست بود. بہترین فرد را رها کرد و بہ بدترین فرد ملحق گشت! ہمچنین امام حسن علیہ السلام گروہی را بہ فرماندہی فردی از قبیلہ کِنَدہ بہ سوی معاویہ فرستاد و دستور داد در «انبار»، لشکر بزند و تا فرمان نرسیدہ، کاری نکند. وقتی معاویہ مطلع شد، در نامہ ای بہ او نوشت: اگر نزد من بیایی، فرماندہی بخشی از نواحی شامات یا جزیرہ را - کہ قابل تو را ندارد - بہ تو می سپارم.

وی پانصد هزار درهم نقداً فرستاد. او پول را گرفت و با 200 نفر از یاران و خاندانش به معاویه پیوست. امام بعد از آگاهی از این خیانت برخاست و فرمود:

«هذا الکندی توجّه الی معاویة و غدر بی و بکم و قد
اخیرتکم مرّة بعد اخری أنّه لا وفاء لکم انتم عبیدالدّینیا
...؛ این کندی است که به سوی معاویه رفت و به من و
شما خیانت کرد و من بارها به شما گفتم که وفا ندارید
و بندگان دنیا بید...»

امام شخصی از قبیله مراد را با 4000 نفر فرستاد و از او در حضور مردم خواست خیانت نکند و به خودش هم گفت که به زودی خیانت خواهی کرد. او با سوغندهایی که کوه ها تاب آنها را ندارد، قسم یاد کرد که چنین نمی کند. اما وقتی به انبار رسید، پیک های معاویه آمدند و علاوه بر دادن وعده ها، پانصد هزار

درهم نیز تقدیم کردند. و او هم به پیمان خود وفادار
نماند. امام بار دیگر فرمود:

«من بارها به شما گفتم که برای خدا به هیچ پیمانی وفا
نمی کنید. اینک، این رفیق شما مرادی است که به من و
شما خیانت کرد و به معاویه پیوست!»

الخراج والجرائح، ج 2، ص 574...

لعنت خدا بر این فرماندهان خیانتکار و اربابشان معاویه

باد! و این نتیجه پول پرستی است. ادم پول

پرست، خدایش سکه و پول است! مواظب باشیم پول

پرست نشویم که در اینصورت حاضر میشویم امام زمان

خود را به پول بفروشیم!.. انوقت یاران و صحابه به امام

حسن مظلوم اعتراض می کردند چرا با معاویه صلح

کردید؟ آیا کور بودند و نمی دیدند که فرماندهان سپاه

به امام مظلوم خیانت کردند؟ آیا نمی دیدند که امام

مظلوم یاوری ندارد؟ اینجا بود که ان امام مظلوم او که
گوشه جگر زهرای مرضیه بود فرمود: **سوگند به خدا!**
اگر با معاویه بجنگم، اینان (کوفیان و شیعه نماها) مرا
کتف بسته تسلیم او می کنند. پس اگر در حال عزّت با
او صلح کنم، بهتر است تا در حال اسیری مرا بکشد یا بر
من منّت نهد و این منّت او ننگ بنی هاشم تا پایان
روزگاران باشد^۳

26. بابی انت و امی یا امام حسن مجتبی. ای کاش
بودیم و یاریت می کردیم.